

متن کامل کتاب مرد روزگاران نوشته ی علی مدرس به صورت الکترونیکی در آمده است تا قابل دسترس برای همگان باشد. فرم الکترونیکی کتاب اندکی خلاصه، ویراستاری و به روز شده است. تمامی حقوق چاپ و نشر این کتاب متعلق به نشر هزاران می باشد. در صورت استفاده از کتاب به عنوان منبع ذکر نام ناشر الزامی است. لطفن از الگوی زیر استفاده کنید:

علی مدرس، مرد روزگاران: مدرس شهید نابغه ی ملی ایران، تهران: نشر هزاران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

## مرد روزگاران: مدرس شهید نابغه ی ملی ایران

### علی مدرس

#### مدرس و دوره ی چهارم مجلس ملی

(صفحات ۹۵ تا ۹۸ کتاب مرد روزگاران)

(ویراستاری و به روز شده در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۹۳)

دوره ی سوم مجلس بخاطر جنگ جهانی اول پس از یک سال پایان یافت و نزدیک به شش سال دچار فترت شد. برگزاری اولین جلسات مجلس چهارم پس از سالها، دگرگونی های حاصل از جنگ، و مسائل سیاسی داخلی کار آسانی نبود. از جمله، وکلایی بودند که در زمان صدارت وثوق الدوله انتخاب شده بودند و با مخالفت برخی از موکلین و مردم روبرو شدند که: اینان وکلای قراردادی و تحمیلی هستند. اعتراض مردم افتتاح مجلس را مشکل تر ساخت؛ روسیه نیز موافق گشایش مجلس نبود. در روز افتتاح مجلس چهارم مصادف با ۱۱ تیر ۱۳۰۰ (۲ جولای ۱۹۲۱، ۲۵ شوال ۱۳۳۹) مردم تظاهراتی برپا نمودند و اعلامیه ای پخش کردند که: سر نیزه ای که روزی مجلس را بسته بود حالا آنرا باز می کند. مجلس آنروز مدافع آزادی بود و مجلس امروز بانی رقت اهای است.

در هر صورت، مدرس که در آن زمان در میان مردم به وطن پرستی شناخته شده بود، توسط مردم تهران باز به نمایندگی انتخاب شد و مجلس را مرکز مبارزات خود با متهاجمین قرار داد. ملک الشعرا بهار در جلد اول تاریخ احزاب سیاسی می نویسد: یکی از مخالفان جدی مجلس چهارم مرحوم مدرس بود که بعدها خود در عداد وکلای تهران درآمد و در مجلس هم طرف مثبت را گرفته فراکسیون اصلاح طلبان را ایجاد کرد و فرد مبرز اکثریت مجلس شد.

احمد شاه با نطقی مجلس را افتتاح کرد و مجلس به انتخاب هیأت رئیسه موقت پرداخت. عده ی وکلای حاضر در جلسه شصت و پنج نفر بود. حسین پیرنیا مؤتمن الملک با پنجاه و یک رأی به ریاست مجلس، مدرس با چهل و هشت رأی به نیابت اول رئیس مجلس، و حکیم الملک با چهل و چهار رأی به نیابت دوم ریاست مجلس انتخاب شدند. ۱. مدرس در مجلس چهارم

لیدر گروه اکثریت نیز بود. او با تصویب اعتبارنامه ی برخی از وکلایی که با قرارداد ۱۹۱۹ روی موافقت نشان داده بودند به مخالفت برخاست. از میان طرفداران قرارداد، که بقول خود مدرس هجده نفرشان به مجلس چهارم راه یافته بودند، مدرس تنها از نصرت الدوله فیروز فرمانفرما حمایت کرد. این حمایت دلایل سیاسی داشت. نصرت الدوله از طرف دولت انگلیس برای کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی انتخاب شده بود و به او قول داده بودند که تمام امکانات را در اختیارش قرار دهند و او را به قدرت برسانند. نصرت الدوله هم با این امید به سمت تهران حرکت کرده بود ولی بخاطر برف سنگین و مسدود شدن راه ها نتوانست در موقع تعیین شده خود را به پایتخت برساند. نفر دیگر انتخاب شده، سید ضیاء الدین طباطبائی، پیشدستی کرد و به مدد رضاخان میرپنج به انجام کودتا موفق گردید. نصرت الدوله سخت از انگلیس رنجیده بود و به منظور انتقام به مخالفت با دولت انگلیس برخاست. مدرس، که همواره دشمنان اصلی ایران را انگلیس و روسیه می دانست، به تشویق و تهییج نصرت الدوله پرداخت و تصمیم به حمایتش گرفت تا وی با قدرت، جسارت، و توانایی که داشت در مقابل انگلیس بایستد. وی در مجلس نطقی ایراد کرد و با بیان اینکه نصرت الدوله از هر چه در سابق انجام داده پشیمان است و توبه کرده، توجه نمایندگان را به دشمن اصلی و لزوم اتحاد بر علیه انگلیس جلب کرد. ولی در عین حال به نصرت الدوله گوشزد نمود که اگر از حضور در مجلس سوء استفاده کرده دوباره به ایران خیانت کند مجلس با او برخورد خواهد کرد، درست مثل وثوق الدوله!

بخشی از نطق مدرس، چهارشنبه ۸ مرداد ۱۳۰۰ ه.ش. (۳۰ جولای ۱۹۲۱، ۲۴ ذولقعدة ۱۳۳۹)

... آقایان ملتفت هستند بعضی انتخابات و اشخاص بد می باشند. ولیکن باید حکومت به حق کرد. نصرت الدوله پسر فرمانفرما مطرح مذاکره است نه مسئله ی انتخابات. والا انتخابات پنج ساله با سیاست های مختلفه و دولت های مختلفه بد است. من می بینم و حس می کنم که آقای نصرت الدوله را بعضی قابل مجلس شورای ملی نمی دانند. خیلی تقدیس می کنم برای اینکه آقایان بعد از دو سال حالا رفیق بنده شده اند. چون زحماتی کشیده ام، تعرض شخصی به خارجی کرده ام یک کمک لایحه ای با من نکردند و امروز آمده اند رفیق من شده اند. خدا توفیق به ایشان بدهد و احساسات را در ملت ایران زیاد کند که امثال آقای وثوق الدوله و نصرت الدوله را ملت ایران بد بداند. ولیکن یک مسئله می خواهم در این مجلس عرض کنم و به انصاف و عدل و دیانت آقایان محول کنم. یک اشخاصی رنگ پیدا کردند. آمدند و گفتند عقیده ما تمایل به سیاست انگلیس است. شاید یکی پیدا شود و بگوید عقیده سیاسی من روس است. بر ضد او هستیم. ایرانی مسلمان باید مسلمان و ایرانی باشد. نصرت الدوله آن روزی قابل مجلس نبود یا نصرت الدوله امروزی که فرضا دروغی می گوید من تمایل به انگلیس را رها کرده ام. من عقیده دارم که نصرت الدوله سابق رنگ دار بد است نه نصرت الدوله امروزی. دیانت و مملکت خواهی به من حکم می کند که ولو این اظهار غیر واقع باشد، من او را قبول کنم. حالا که این حرف را می زند بگویم ما ترا قبول نمی کنیم؟ ملت تو را قبول نخواهد کرد؟ موافقین قرارداد که هجده نفر از آنها اعضاء این مجلس هستند، این محکمه باید رسیدگی کند. و هر کدام تقصیر کرده اند باید مجازات کند و اگر پول گرفته اند از ایشان استرداد نماید تا عبرت شود. نصرت الدوله موافق قرارداد را باید با نصرت الدوله امروزی باید فرق گذاشت. این اشخاص که در آن سیاست شرکت داشتند و حالا اعتراف به خبط خود می کنند و می گویند این رنگ سیاست را رها کردیم و تابع سیاست بی طرفی ایران هستیم، من که یک نفر هستم، صدای خودم را به شرق و غرب و شمال و جنوب ایران و به خارجه های همسایه و غیر همسایه می رسانم و می گویم مدت ها نصرت الدوله تمایل اختیار کرده، حالیه که بی طرفی اختیار می کند من او را قبول دارم. ملت ایران با من هم عقیده خواهند بود. می گویم نصرت الدوله سال ها قیل خودش را [به انگلیسی ها] چسباند. الان می گوید من خطا کردم. یا راست می گوید یا دروغ. من می باید بگویم تو راست می گویی و تو که الان تمایل کردی و خودت را می خواهی ایرانی و ایران خواه معرفی کنی، ما قبول می کنیم. اگر خدای نخواست باز رنگ پیدا کرد ما همانیم که بودیم. مخالفت با کابینه وثوق الدوله کردیم. ملت فقیر بیچاره هم با کمال ضعف قوا و بی چیزی و نفاقت بالاخره او را دربر کرد.

۱ برای شناخت بیشتر مؤتمن الملك، حکیم الملك (ابراهیم حکیمی)، و نصرت الدوله به بانک اطلاعات رجال مراجعه فرمایید.  
<http://rijaldb.com/fa/7643/الملك+مؤتمن+خان+حسین>  
<http://rijaldb.com/fa/8670/ابراهیم+حکیمی>  
<http://rijaldb.com/fa/8833/فیروز+میرزا+نصرت+الدوله+فرمانفرما>

## کابینه ی قوام السلطنه و حوادث آن

مدرس از قوام السلطنه بخاطر اینکه در مقابل پاره ای از اعمال خلاف قانون برخی افراد، از جمله سردار سپه، ایستادگی می کرد حمایت کرد و از جمله نمایندگانی بود که قوام را برای بار دوم برای نخست وزیری کاندید نمود.<sup>۱</sup> سردار سپه در کابینه ی قوام السلطنه وزیر جنگ بود و سعی داشت که امور نظمیه را نیز تحت کنترل خود درآورد. ولی قوام موافقت نکرد. مابین سردار سپه و قوام اختلاف پیش آمد؛ اعمال و دخالت های سردار سپه بدون اطلاع و اجازه ی مجلس و کابینه منجر به گله و اعتراض قوام السلطنه و برخی نمایندگان شد. در جلسه ی پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۰۱ ه.ش. (۱۳ صفر ۱۳۴۱، ۵ اکتبر ۱۹۲۲) معتمدالتجار، نماینده ی تبریز، طی نطق مفصلی چگونگی وضع پایتخت و کشور را توضیح می دهد و متذکر می شود که: ... عملیاتی در مرکز مملکت می شود که بنظر بنده ممکن است در آتیه خیلی نزدیک برای مملکت و ملت خطراتی را متوجه سازد. بدون مجوز قانونی جرائد را می بندند و مدیران آن ها را توقیف، حبس، تبعید و زجر می کنند و می زنند. چرا برای اینکه از کثرت ظلم و تعدی و انتخاب اشخاص بد سابقه برای مأموریت ها و اختلاس و هزار مظالم دیگر تنقید کرده و دوستان را به راه راست، دلالت و نصیحت می نمایند. اینها عوض اصلاح احوال و مقاصد خودشان متشبهت به نقض قوانین می شوند. آیا برای جلوگیری از خطرات متصوره نمایندگان چه تصمیمی اتخاذ می نمایند؟ ... یکی از دلایل اصلی درگیری مجلس با وزیر جنگ لشکرکشی او به خوزستان بود که بدون تأیید قوام السلطنه و تصویب مجلس و طبق خواست و نقشه ی انگلیس انجام شد.<sup>۲</sup> شیخ خزعل، که خود مدتی طولانی مهره ی دست نشاندۀ ی دولت بریتانیا بود، دیگر با سیاست های جدید و منافع انگلیس هماهنگی نداشت. رضاخان به اشاره ی دولت انگلیس و با یک جنگ زرگری با شیخ خزعل باعث شد که وی از صحنه ی کنترل خوزستان رانده شود. مدرس در نطق خود در این مورد از یک طرف به قدرت مجلس برای استیضاح و برکناری افراد اشاره می کند و از طرف دیگر به نمایندگان مجلس گوشزد می کند که رضاخان منافع اساسی برای ایران دارد و مجلس می تواند با یک برخورد درست از توانایی های او به نفع ایران استفاده کند.

سردار سپه که دید مجلس سخت به او ایراد می گیرد تصمیم گرفت عکس العملی نشان دهد. این بود که برای افسران و نظامیان مطالبی با این عنوان که نمی گذارند من اصلاحات کم بیان داشت و اعلام کرد که تصمیم به استعفا دارد و پیرو این صحبت ها در امنیت شهر اختلال ایجاد کرد.<sup>۳</sup> روزنامه ها، از جمله طوفان به مدیریت فرخی یزدی که از آزادیخواهان و روشنفکران بنام بود، مقالات تندى در مورد قانون شکنی ها و بی عدالتی ها منتشر کردند و به اعمال وزیر جنگ انتقاد نمودند.<sup>۴</sup> بالاخره اعتراضات منجر به آن شد که سردار سپه در روز ۲۴ مهر ۱۳۰۱ (۱۷ اکتبر ۱۹۲۲، ۲۵ صفر ۱۳۴۱) در مجلس شورای ملی حضور یافت، خود را مطیع مجلس جلوه داد و حکومت نظامی را لغو کرد. در این اثنا، احمد شاه هم از فرنگ بازگشت ولی عدم رضایت مردم از قوام السلطنه، ترس همگانی از اعمال سردار سپه، و بخصوص عدم پذیرش نمایندگان ایران به سرپرستی علیقلی خان مشاورالممالک، وزیر خارجه، در کنفرانس صلح لوزان باعث تزلزل کابینه ی قوام شد.<sup>۵</sup> قوام توانایی ادامه ی کار را در خود ندید و در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۰۱ (۲۶ ژانویه ۱۹۲۳، ۸ جمادی الثانی ۱۳۴۱) استعفای خود را در کاخ گلستان به احمد شاه تقدیم کرد. مؤتمن الملك از طرف شاه خبر استعفای نخست وزیر را به نمایندگان ابلاغ نمود. مجلس با رای اکثریت مستوفی الممالک، که از انسان های شریف و پاکدل ایران بود، نامزد نخست وزیری کرد. فرمان تشکیل کابینه در روز ۹ بهمن ۱۳۰۱ (۳۰ ژانویه ۱۹۲۳، ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۴۱) توسط احمد شاه

۱ برای شناخت بیشتر قوام السلطنه (احمد قوام) به فرهنگنامه ی بریتانیکا رجوع فرمایید.  
<https://www.britannica.com/biography/Ahmad-Qavam>

۲ فیروز کاظم زاده در کتاب روس و انگلیس در ایران، نشر شرکت، ۱۳۵۴ دخالت های دو دولت در امور سیاسی ایران آنروز را شرح داده است.

۳ به مقاله ی پروین قدسی زاد در کتاب زیر مراجعه فرمایید.

Parvin Gudsizad. "PAHLAVI I: Reza Shah." Mohammad Jafar Elmi, Gholamali Haddad Adel, and Hassan Taromi-Rad, Ed. The Pahlavi Dynasty: An Entry from Encyclopaedia of the World of Islam. London: EDI Press. 2012.

۴ با اینکه فرخی یزدی و مدرس هر دو از مبارزان مشروطه بودند هیچوقت با یکدیگر ملاقات نکردند اما هر دو به فرمان رضاشاه کشته شدند.

۵ شرح کامل روابط ایران و عثمانی و کنفرانس صلح لوزان را در مناسبات سیاسی ایران و ترکیه، نوشته ی علی کالیراد مطالعه فرمایید.

علی کالیراد. مناسبات سیاسی ایران و ترکیه (۱۲۹۷-۱۳۰۴ ش.، ۱۹۱۹-۱۹۲۵ م.). فصلنامه تاریخ روابط خارجی. سال سیزدهم و چهاردهم. شماره ۵۲ و ۵۳. پاییز و زمستان ۱۳۹۱. صص ۱۲۱-۱۳۸.

[http://www.hfrjournal.ir/article\\_83038\\_5320306df69bac4dcb3b35779466cbe6.pdf](http://www.hfrjournal.ir/article_83038_5320306df69bac4dcb3b35779466cbe6.pdf)

## بخشی از نطق مدرس، پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۰۱ ه.ش. (۵ اکتبر ۱۹۲۲، ۱۳ صفر ۱۳۴۱)

مدرس اجازه خواست که بعد از معتمدالتجار صحبت کند: فرمایشاتی که نماینده محترم نمودند مشتمل بر چند فقره بود. یکی وجود یک معایبی که همه تصدیق می کنیم زیاده از حدی که فرمودند. اما اینکه فرمودند بعضی اظهار بدبینی به مجلس می کنند، بنده این را نفهمیدم. و اگر هم چیزی باشد تعبیر به حق نیست. در سه دوره مقننه که من بوده ام و اغلب آقایان هم بوده اند، این مجلس از اول تشکیل، خدماتی که به مملکت کرده است بنده کم سراغ دارم که در دوره های سابق چنین خدماتی شده باشد. یکی از عملیات مهم این مجلس لغو شدن قرارداد است که بواسطه وجود این مجلس رد شد. قراردادی که همه می دانیم چقدر برای مملکت مضر بود و آثارش تا موقع انعقاد مجلس باقی بود. ... پلیس جنوب که آثار مشنومه قرارداد بود ملغی و مستشار که تا موقع انعقاد مجلس در خانه من و شما و همه بود لغو گردید. اینها تمام به برکت وجود این مجلس بوده است. چرا خدمات را قدردانی نکنیم؟ و اما در کارهای دیگر هم که همیشه شب و روز مشغول بوده اند. اما غالباً امنیت در دست کسی است که اغلب ماها خوشوقت نیستیم. شما مگر ضعف نفس دارید این حرف ها را می زنید و در پرده سخن می گوئید؟ ما بر هر کس قدرت داریم. از رضاخان هم هیچ ترس و واهمه نداریم. ما قدرت داریم پادشاه را عزل کنیم. رئیس الوزرا را بیاوریم، سؤال کنیم، استیضاح کنیم، عزلش کنیم و همچنین رضاخان را استیضاح کنیم، عزل کنیم. می روند در خانه شان می نشینند. قدرتی که مجلس دارد هیچ چیز نمی تواند مقابلش بایستد. شما تعیین صلاح بکنید. مجلس بر هر چیزی قدرت دارد. مجلس به منزله سی کرور نفوس است. آقایانی که در این مجلس بودند و آن وقایع بزرگ را دیده اند، از قبیل آمدن محمد علی میرزا و سالار الدوله با سی هزار نفر تا شش فرسخی، دیگر از این چیزها نمی

ترسند. ۱. بنده عرض می کنم مقاومت با این مجلس غیر ممکن است. فقط چیزی که هست این است که باید تعیین صلاح را نمود. آقای وزیر جنگ منافع دارد و مضاری هم دارد. اینها را باید سنجید، دید منافعش بیشتر است یا مضارش. والا برای مجلس که سلطنت تغییر می دهد و کارهای بزرگتر می کند تغییر دادن وزیر جنگ کاری ندارد. شما بنشینید تعیین صلاح و فساد را بکنید.

بنده می خواستم این عرایض را در اتاق تنفس بکنم. ولی حالا عرض می کنم که دو صد گفته چون نیم کردار نیست. هی لایحه بخوانید. حایری زاده هم بگوید احسنت. اینها کار نیست. صلاح و فساد را بسنجید و عمل کنید. بنده تقدیس می کنم این مجلس را که قوام السلطنه را بیاورید، از او سوال نمایید. قدما گفته اند که چند کس دعایشان مستجاب نمی شود. یکی کسی که نفرین کند در حق نوکرش. زیرا وقتی از او راضی نبود بایستی اخراجش کند. یکی هم کسی که در حق زنش نفرین کند. به جهت اینکه او را هم وقتی مطابق سلیقه اش نبود طلاق گوید. حالا ما هم اشخاصی هستیم که نفرین می کنیم. پیشتر ها به آخوندها می گفتیم نفرین می کنند. حالا خودمان آن کار را می کنیم. قدرت مجلس در مقابل تمام مزاحمت خیلی زیادتر است. خیلی از آقایان در این مجلس بودند وقتی سالار الدوله با سی هزار نفر تا شش فرسخی شهر آمد. ما نترسیدیم و با دویست نفر لات از آنها جلوگیری کردیم و این جلوگیری بواسطه تقویت مجلس بود. ما اگر اتفاق داشته باشیم هیچ قوه ای در مقابل ما که برای اصلاح مملکت است نمی تواند عرض اندام کند. با وجود این، عقیده من در باب وزیر جنگ این است که منافعش اساسی و مضارش فرعی است. بایستی سعی کرد که مضارش دفع شود تا منافعش عاید مملکت گردد.

----- پاورقی ها -----

۱. وقتی محمد علی شاه در تبعید بود به کمک برادرهایش سالارالدوله و شعاع السلطنه نقشه ی حمله به تهران را طرح ریزی کرد و قرار گذاشتند که از طرف تبریز و عثمانی با سی هزار نفر سرباز به تهران حمله کنند. ارتش تهران فقط سیصد نفر بود. مدرس در نطقی که در صورت جلسه های مجلس موجود است گفته بود که اگر مجلس مردم را حمایت کند آنان به ارتش می پیوندند. به این ترتیب مجلس و مردم حامیان محمد علی شاه را شکست دادند. سالارالدوله ترسید و به روسیه فرار کرد. شعاع السلطنه هم تیرباران شد. احمد کسروی در کتاب تاریخ هجده ساله آذربایجان، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴ این توطئه و برخورد مردم با مهاجمین را شرح داده است. فیروز کاظم زاده نیز نقل قول های مربوط به این توطئه و حمایت روس ها از آن را در کتاب روس و انگلیس در ایران آورده است.